

## یادداشت

## قدرت چانه‌زنی کارگران در عصر انقلاب صنعتی چهارم: فرصت‌ها و الزامات در اقتصاد

نبود پوشش بیمه‌ای مناسب، ابهام در تعریف رابطه کارگر و کارفرما در پلتفرم‌ها و ضعف ضمانت اجرای برخی حقوق قانونی، قدرت چانه‌زنی را کاهش می‌دهد. اصلاح تدریجی و هوشمند قوانین، با مشارکت نمایندگان کارگران و کارفرمایان، می‌تواند امنیت شغلی را افزایش داده و زمینه گفت‌وگوی اجتماعی مؤثرتر را فراهم کند.

با این حال، نمی‌توان از بستر کلان اقتصادی غافل شد. تورم بالا، بی‌ثباتی نرخ ارز و کسری بودجه مزمن، فضای تصمیم‌گیری را برای همه بازیگران دشوار کرده است. در اقتصادی که ارزش پول ملی به‌طور مستمر کاهش می‌یابد، هرگونه توافق مزدی در معرض فرسایش قرار می‌گیرد. بنابراین، تقویت قدرت چانه‌زنی کارگران بدون مهار تورم و ایجاد ثبات اقتصادی، دست‌آورد پایداری نخواهد داشت. سیاست‌های پولی و مالی منضبط، کاهش کسری بودجه، شفافیت در سیاست‌گذاری و کاهش نااطمینانی، به‌طور غیرمستقیم اما عمیق، به نفع نیروی کار عمل می‌کند.

بزرگی از اشتغال کشور را بر عهده دارند. این نگاه‌ها در برابر شوک‌های اقتصادی آسیب‌پذیرترند و افزایش ناگهانی هزینه‌ها می‌تواند به تعدیل نیرو یا تعطیلی بینجامد. بنابراین، سیاست‌گذاری مزدی باید همراه با حمایت‌های هدفمند از این بخش باشد؛ ازجمله تسهیل دسترسی به تسهیلات، کاهش بوروکراسی، اصلاح نظام مالیاتی و بیمه‌ای و کمک به نوسازی فناوری، تقویت نگاه کوچک، در نهایت به تثبیت اشتغال و افزایش قدرت چانه‌زنی کارگر منجر می‌شود.

در کنار این موارد، فرهنگ گفت‌وگوی اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد. تقابل صفر و صدی میان کارگر و کارفرما، در شرایط پیچیده اقتصادی امروز نتیجه‌بخش نیست. ایجاد سازوکارهای گفت‌وگوی مستمر، مبتنی بر داده و تحلیل کارشناسی، می‌تواند از شکل‌گیری بحران‌های دوره‌ای جلوگیری کند. وقتی هر دو طرف از وضعیت واقعی بنگاه، هزینه‌ها، سودآوری و چشم‌انداز بازار آگاه باشند، امکان رسیدن به توافق‌های واقع‌بینانه و پایدار افزایش می‌یابد. در ایران، سازوکار رسمی گفت‌وگوی مزدی در قالب شورای عالی کار تعریف شده است؛ شورای با ترکیب سه‌جانبه دولت، کارگران و کارفرمایان. با این حال، صرف پیش‌بینی ساختار سه‌جانبه در قانون، به‌تنهایی تضمین‌کننده تحقق کامل گفت‌وگوی اجتماعی نیست. دولت، به‌عنوان سیاست‌گذار و در عین حال یکی از بزرگ‌ترین کارفرمایان کشور، در موقعیتی چندتوقشی قرار دارد که ضرورت تقویت توازن و اعتماد متقابل را دوجندان می‌کند. در عمل، تمرکز مذاکرات اغلب بر تعیین سالانه حداقل مزد قرار می‌گیرد، در حالی که ظرفیت شورا می‌تواند فراتر از چانه‌زنی عددی و ناظر بر موضوعاتی همچون بهره‌وری، امنیت شغلی، سرمایه‌گذاری و آینده بازار کار باشد.

از سوی دیگر، اصل سه‌جانبه‌گرایی سال‌هاست در ادبیات روابط کار مورد تأکید قرار گرفته، اما متحقق مؤثر آن مستلزم نهادهای توانمند، شفافیت اطلاعات، امکان مذاکره واقعی و استمرار گفت‌وگو در طول سال است، نه صرفاً در آستانه تعیین مزد. بدون این الزامات، گفت‌وگو ناگزیر به فرایندی مقطعی تقلیل می‌یابد و نمی‌تواند نقش پایدار خود را در کاهش تعارضات و افزایش اعتماد ایفا کند.

تقویت فرهنگ گفت‌وگوی اجتماعی مستلزم بازاندیشی در شیوه‌های اجرایی مورد، ارفقای توان کارشناسی نمایندگان طرفین و طراحی بسترهایی برای گفت‌وگوی منظم و داده‌محور است؛ به‌گونه‌ای که تصمیم‌گیری‌ها از حالت واکنشی و کوتاهمدت خارج شده و در چارچوب چشم‌اندازی بلندمدت برای تولید و معیشت سامان یابد.

در نهایت، باید پذیرفت که در عصر انقلاب صنعتی چهارم، قدرت چانه‌زنی دیگر صرفاً از تعداد نیروی کار یا فشار اجتماعی ناشی نمی‌شود؛ بلکه از ترکیب مهارت، دانش، سازمان‌یابی هوشمند، چارچوب قانونی مناسب و ثبات اقتصادی حاصل می‌شود. برای ایران که هم‌زمان با چالش‌های ساختاری اقتصادی مواجه است، این مسیر شاید دشوار باشد، اما گریزی از آن نیست. اگر نیروی کار ایرانی بتواند مهارت‌های خود را به‌روز کند، در قالب‌های نوین سازمان یابد، در فرایند ارزش آفرینی بنگاه‌ها مشارکت فعال داشته باشد و از حمایت قانونی متناسب با شرایط جدید برخوردار شود، قدرت چانه‌زنی او به‌طور طبیعی افزایش خواهد یافت. در مقابل، اگر اقتصاد در چرخه تورم، رکود و نااطمینانی باقی بماند، هرگونه افزایش دست‌مزد یا توافق مزدی، به‌سرعت اثر خود را از دست خواهد داد.

تقویت قدرت چانه‌زنی کارگران در ایران امروز، نه با شعار، بلکه با اصلاحات ساختاری، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و بازسازی اعتماد میان دولت، کارگر و کارفرما ممکن است. این مسیر، هرچند زمان‌بر، اما تنها راه رسیدن به تعادلی پایدار میان عدالت اجتماعی و پایداری اقتصادی است.

افقی:

۱- فاضلاب- لوس و نتر- آکسون ۲- مهاجم تیم ملی فوتبال نپیره که با ماسک معروفش شناخته می‌شود- یازده ۳- پوشاک ستور- اثری به قلم ژان ژاک روسو- غار آهنکی زیبا و توریستی زنجان ۴- شهری در استان فارس- اراپه- بدعهدی ۵- زندانی- لاغر و نزار- بوریا ۶- سکه طلای قاچاری- خداوندی- مزدور ۷- ولگرد- کمدین سیرک- آبادی بزرگ ۸- آخرین یک‌رقمی- زمخت و بدقواره- از اجزای سالاد شیرازی- در میان بر ۹- مباح- سرگرمی- آلبومی با آواز محمدرضا شجریان و آهنگ‌سازی پرویز مشکاتیان ۱۰- کابله- پیرو مذهب شیعه- افراد تحت سرپرستی رئیس خانواده ۱۱- انباری برای نگه‌داشتن برنج- زن خدمتکار- محله ۱۲- لباس- تابلوی نقاشی اثر ونسان ون گوگ- آزمون ورودی دانشگاه ۱۳- نوعی ادویه تند- کناره- رها ۱۴- جانشین او- رمانی تاریخی و عاشقانه از ایزابل آئده، نویسنده شیلیایی ۱۵- حق حساب- معامله پاپایی- سنت و آیین

عمودی:

۱- بلندترین نقطه- در حال رشد- نوعی ماهی استخوانی آب‌های شیرین ۲- عنصرالمعالی کتاب قابوس‌نامه را برای او نگاشته است- واکنش یک ماده با اکسیژن ۳- قورباغه- نیرو، توان- پوشاک پا ۴- نوشتن کتاب با استفاده از منابع مختلف- رشته‌ای از دانش کاربردی و فناوری- سبکی در موسیقی پاپ ۵- محلی- زاپاس- فراوان، بسیار ۶- چرا گردن- ارتعاش- فلاکت و خواری ۷- سرسرا- سوره شصت‌ونهم قرآن- ناگهان ۸- جدید- اهل گیلان- دلبستگی- گاو بی‌دم! ۹- قهوه فوری- از بحور

شرق: حامد وفايي باور دارد که «پکن نمی‌خواهد پرونده ایران به جبهه دومی برایش تبدیل شود، که منابع دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی‌اش را برانگندد؛ زیرا مقابل آمریکا قرار دارد». به تعبیر این استاد مطالعات چین در دانشگاه تهران و براساس ارزیابی خود چینی‌ها، «ترامپ در سال‌های پایانی دولت دومش (۲۰۲۲-۲۰۲۸) تمرکز شدیدی بر چین خواهد داشت، بنابراین پکن ترجیح می‌دهد انرژی خود را برای آن مرحله ذخیره کند و از پراکندگی منابع حول پرونده‌هایی مانند ایران و ونزوئلا جلوگیری کند». بنابراین از دید تحلیلگر ارشد حوزه چین، «اگر ترامپ در نهایت جنگی را با ایران کلید بزند، سیاست پکن مداخله و حمایت مستقیم از ایران نخواهد بود». متن پیش‌رو مشروح کپ‌وگفت «شرق» با حامد وفايي است.

- 
- 
- 

**❗** اخیرا عنوان داشته‌اید که «ایران به بخشی از رقابت چین و ایالات متحده بدل شده است». اتفاقا در راستای همین گفته درستان، بسیاری بر این باورند که سال ۲۰۲۶ میلادی، سال تعیین تکلیف نهایی ایران خواهد بود؛ به این معنا که ترامپ چه با گزینه جنگ و چه با مذاکره، معادلات تازه‌ای برای تهران رقم خواهد زد؛ زیرا پس از آن، ترامپ در دو سال پایانی ریاست جمهوری‌اش، تمرکز خود را بر تنش کلان یا پرونده اصلی خود، یعنی چین، معطوف خواهد کرد. اولاً، این خط تحلیل را تا چه اندازه جدی می‌دانید و تا چه حد با شرایط کنونی ما که میان «جنگ و مذاکره» گرفتار هستیم، مرتبط است؟ یعنی این سناپه جنگ و مذاکره تحمیلی ترامپ برای ایران تا چه حد براخته کلان‌تنش پکن – واشنگتن است؟

نکته شما درست است. نکته‌ای که اتفاقا در فضای تحلیلی ایران کمتر به آن توجه شده، شیوه بازتاب و روایت رسانه‌های چینی از موضوع جنگ و مذاکره میان دولت ترامپ و ایران است؛ موضوعی که این روزها به یکی از تیرتهای اصلی اخبار جهان بدل شده است. بررسی این روایت‌ها نشان می‌دهد که تنش‌های جاری میان ایران و ایالات متحده در گفتمان رسانه‌ای داخل چین، صرفاً به‌عنوان یک منازعه دوجانبه دیده نمی‌شود، بلکه اغلب در چارچوب رقابت کلان میان دو قدرت مسلط نظام بین‌الملل، یعنی چین و ایالات متحده، تفسیر می‌شود. در این نگاه، ایران بیش از آنکه کشگری مستقل در یک بحران منطقه‌ای تلقی شود، به‌منابه یکی از متغیرهای مؤثر در معادله تقابل راهبردی پکن و واشگتن مهم می‌شود؛ برداشتی که ابعاد ژئوپلیتیکی و نظام‌مند تنش ایران و آمریکا را در سطحی فراتر از خاورمیانه برجسته می‌کند. اتفاقا به مطالب برخی از اندیشکده‌های چین هم نگاهی انداختام که همین نکته را تأیید می‌کند.

**❗** همین‌جا توقف کنیم. روایت مرکزی یا دال اصلی رسانه‌های چینی این است که ایران بخشی از منازعه بزرگ چین و آمریکاست؟

طبیعی است که چین کشوری بزرگ است و عقاید متنوعی در آن وجود دارد. در برخی محیط‌های منتشرشده توسط چینی‌ها، این موضوع مطرح شده که دقیقاً هم‌زمان با تمرکز جهان بر تحولات خلیج فارس و غرب آسیا و بحث‌های مربوط به موشک‌های ایران و پایگاه‌های آمریکایی، آمریکایی‌ها نگاهی به موضوع دیگری در نظام بین‌الملل دارند که برای ایشان بسیار مهم است. برخی چینی‌ها بر این باورند که تهدید به جنگ علیه ایران از سوی آمریکایی‌ها که هیچ بعید نیست عملیاتی شود و ضرباتی وارد آید، مشابه ضربه‌ای اشتی است که برای پوتین تعریف شد و ضربات فراوانی در مسئله اوکراین به پوتین وارد شد. یعنی همه اینها مجموعاً بهانه‌ای است برای پنهان‌کردن یک اتفاق کلان‌تر.

**❗** چه اتفاق کلان‌تری؟

همان نکته‌ای که در سؤال اول شما مطرح شد، یعنی مهار چین. هنگامی که اسناد بالادستی و امنیتی آمریکایی‌ها را رصد می‌کنیم، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که هدف نهایی و مرحله بعدی آمریکایی‌ها در بازی اقتصاد جهانی نهفته است که هسته اصلی آن، مهار چین است. اگر سند امنیت ملی ۲۰۲۵ آمریکایی‌ها را بررسی و تحلیل کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که چین اصلی‌ترین هدف ایالات متحده است. هنگامی که شرایط موجود را بررسی می‌کنیم، چین در حال حاضر بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران است، مهم‌ترین شریک استراتژیک ایران به شمار می‌رود و از سوی دیگر، ایران کلوگاه کلیدی در برنامه «بهنه و راه» چینی‌ها که همان ابتکار کمربند و جاده (Belt and Road) است، محسوب می‌شود. توجه داشته باشید که تحریم‌های جهانی که علیه صادرات انرژی ایران در این سال‌ها از سوی آمریکایی‌ها اعمال شده، در حالی که ضربات اقتصادی سنگینی به جمهوری اسلامی وارد کرده است، از سوی دیگر یکی از کانال‌های مهم تأمین انرژی چین را قطع می‌کند و در واقع، در همین چارچوب است که آمریکایی‌ها شرکت‌های چینی را تهدید می‌کنند. مجموع این تحولات را می‌توان حمله‌ای غیرمستقیم به طراحی ژئواکونومیک چین دانست و این نکته‌ای است که هنگامی که به جایگاه چین در این معادلات می‌نگریم، می‌توانیم به چنین جمع‌بندی‌ای برسیم.

**❗** اتفاقا نکته نیز همین‌جاست که اگر از مسئله ژئوپلیتیک به ژئواکونومیک گذر کنیم، طیفی اذعان دارند پس از دستگیری مادورو و اتفاقی که برای سلطه آمریکا بر نفت ونزوئلا افتاد که منبع بزرگ نفت صادراتی برای چینی‌ها نیز بود، اکنون سناریویی مشابه برای تهران در نظر گرفته شده است. لذا اکنون چینی‌ها بر آن هستند که یا ایران به زمین سوخته تنش آمریکا و چین بدل شود یا اجازه ندهند تهران به کاراکاس دوم تبدیل شود؛ چون اگر چین در ایران جلوی آمریکا را بگیرد، این روند ادامه خواهد یافت تا جایی که آمریکا در مرزهای



خود چین وارد منازعه با چین می‌شود. این ارزیابی را تا چه اندازه جدی می‌دانید؟ اجازه دهید در جمع‌بندی مسئله پیشین بگویم فرآیندهایی که برای ایران رخ می‌دهد و بلاهایی را که بر سر ایران می‌آید، نباید مسئله‌های جداگانه از مجموعه تحولاتی که فرمودید، تلقی کنیم. اینها تلاشی هماهنگ است که در چارچوب همان جنگ تجاری و فناوری آمریکا علیه چین انجام می‌شود و هدف نهایی آن، اختلال در سیستم اقتصاد بین‌المللی است که پکن عمیقاً در آن درگیر است. این را می‌توان از یک جهت، تلاشی برای وادارکردن چین به سازش با آمریکا نیز ارزیابی کرد. به هر حال، سیاست‌های ترامپ بسیار زیرکانه و دقیق پیگیری می‌شود.

**❗** این را هم بپرسم که حامد وفايي سیاست‌های ترامپ را در قالب شخص او می‌بیند؟ من با اینکه ترامپ را فردی بی‌برنامه بدانیم، کاملاً مخالفم؛ حال آنکه برخی می‌گویند این یک فرد تاجر است و سه سال دیگر هم می‌رود؛ خیر این‌طور نیست. اتفاقا این استراتژی کلان ایالات متحده است که به صورت کاملاً بی‌سروصدا، اهداف راهبردی خود را در بازی قدرت‌ها پیگیری می‌کند. ببینید، در اینجا ما شاهد هستیم که بازیگرانی مانند رژیم اسرائیل و عربستان سعودی در حال وابسته‌ترشدن به آمریکایی‌ها هستند و آمریکایی‌ها در عین حال به کشورهای اروپایی، ژاپن و هند نیز فشار می‌آورند. برای مثال، بحث پیشنهاد خرید نفت ونزوئلا توسط هند در این چارچوب قابل ارزیابی است. آمریکایی‌ها در واقع پایبندی اینها را می‌سنجند و این کشورها را مجبور می‌کنند که در رقابت کلان میان قدرت‌های جهانی، میان چین و ایالات متحده بالاخره یکی را انتخاب کنند.

**❗** پس به سؤال قبل که پاسخ ندادید برسیم. تهران، کاراکاس دوم خواهد شد؟ اگر این‌طور است، چرا چینی‌ها مشخصاً بعد از ورود به سال جدید میلادی وارد یک سکوت دیپلماتیک معنادار شده‌اند. بحث بازی با کارت تهران از سوی پکن مطرح است، مانند ونزوئلا که در کلان‌تنش چین و ایالات متحده به راحتی فروخته شد؟

در پاسخ به مطلبی که فرمودید و اینکه اولویت‌های چین به چه سمت و سویی است و اصلاً موضوعی که مطرح می‌شود با این عنوان که چرا حضور دیپلماتیک چینی‌ها را به‌رغم اینکه هدف این ماجراها هستند، باید طور دیگری تحلیل کرد. اینکه چرا حضور دیپلماتیک چین در مناقشه ترامپ و ایران در این روزها کم‌رنگ است، واقعیت این است که اگر بخوایم این را تحلیل کنیم، باید نگاهی به اولویت‌بندی تقابل اصلی چین با آمریکا در حوزه آیندوسیفیک و تایوان بیندازیم. شما باید این تحولات را در یک خط سیر بررسی کنید که ایران، ونزوئلا و دیگر کشورها را شامل می‌شود. یعنی در کسری بالاتر از این تحولات عملاً روند معادلات تحت عنوان تقابل اصلی چین و آمریکا در آیندوسیفیک و به‌ویژه تایوان قابل تحلیل است.

**❗** پس چین به راحتی ایران را برای موضوع تایوان و معادلات پیرامونی خود می‌فروشد، کمانیکه همین‌کار را با ونزوئلا کرد؟

من از کلمه کارت بازی و فروش و فروختن استفاده نمی‌کنم. این‌طور بگویم که پکن نمی‌خواهد پرونده ایران یا پرونده ونزوئلا برایش به جبهه دومی تبدیل شود که سبب پراکنده‌شدن منابع دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی‌اش شود؛ زیرا در مقابل یک قدرت جهانی به نام آمریکا قرار دارد و خود را در این موقعیت نمی‌بیند. پس پیرو سؤال دقیق شما در اول مصاحبه که اگر ترامپ سال ۲۰۲۶ را سال تعیین تکلیف ایران و سایر پرونده‌های دیگر بداند، چینی‌ها را هم به این باور رسانده که ترامپ در سال‌های پایانی دوره خود یعنی ۲۰۲۲ و ۲۰۲۸ به‌شدت بر چین متمرکز خواهد شد؛ بنابراین ترجیح چینی‌ها این است که انرژی خود را برای آن مرحله ذخیره کنند و از پراکنده‌شدن منابع نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک‌شان، حال حول هر محوری مانند ایران، ونزوئلا یا در جای دیگر پیشگیری کنند.

**❗** بگذارید بی‌تعارف بپرسم و جواب صریح هم می‌خواهم. شما در حقیقت دارید تأیید می‌کنید اگر جنگ از سوی ترامپ علیه ایران درگیرد، خبری از کمک چین نیست و این یعنی فروختن جنگ تهران در کلان‌تنش پکن – واشنگتن؛ غیر از این است؟ یعنی ایران به اندازه همان پاکستان برای چین ارزش ندارد که در مقابل هندی‌ها حمایت بی‌سابقه دیپلماتیک و نظامی داشتند تا جایی که بسیاری تأیید می‌کنند علت بیروزی پاکستان در جنگ چهارروزه سال گذشته همین حمایت چین بود؟

موضوع مهمی که درباره چینی‌ها مطرح می‌شود، عدم تمایل به تقابل مستقیم

# شرق

نظامی با آمریکا در خاورمیانه است؛ این یکی از اصول سیاست خارجی چینی‌هاست. **❗** چرا؟

چون چین تجربه جنگ نیابتی در مناطق دور از منافع حیاتی خود را ندارد؛ منظور از منافع حیاتی، مناطقی است که امنیت ملی چین مستقیماً از آن تأثیر پذیرد. ببینید، برای مثال به همان پاکستان که شما اشاره کردید بپردازیم. هنگامی که درگیری میان پاکستان و هند ایجاد شد، فضایی بود که امنیت ملی چین مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌گرفت؛ برای همین چین مستقیم وارد شد و آن غائله طی چند روز به پایان رسید. اما به هر حال واقعیتی که وجود دارد این است که در فضاهایی مانند روسیه در اوکراین یا تنش و احتمال جنگ ترامپ علیه ایران، اگر ما قائل به این باشیم که خاورمیانه هرچه می‌گذرد بیشتر به بافتلی برای قدرت‌های جهانی تبدیل می‌شود، چین اصلاً مایل به ورود به این باتلاق نیست.

**❗** من هم نگفتم که چین مانند جنگ پاکستان و هند عمل کند و وارد منازعات خاورمیانه شود. اما مانند ونزوئلا هم با کارت تهران بازی نکند. اصلاً سؤال قبل را که بی‌پاسخ ماند، بپرسم؛ اینکه چرا چینی‌ها این روزها در مقابل دوگانه جنگ و مذاکره تحمیلی ترامپ برای ایران سکوت کرده‌اند؟

چینی‌ها همچنان بر پرستیژی بی‌طرفی خود اصرار دارند و خود را به‌عنوان بازیگری سازنده و صلح‌جو معرفی می‌کنند.

**❗** پرستیژی بی‌طرفی یک چیز و سکوت چیزی دیگری است. چین می‌تواند بی‌طرف باشد اما در عین حال به شکل فعال‌تر در تنش ایران و آمریکا عمل کند؟

همان‌طور که گفتم چینی‌ها همچنان بر پرستیژی بی‌طرفی خود اصرار دارند و خود را به‌عنوان بازیگری سازنده و صلح‌جو معرفی می‌کنند. اتفاقاً ما بیانیه‌های مکرر وزارت خارجه چین را در سال‌های ۲۰۲۵ و اوایل ۲۰۲۶ دیدیم که اگر حضور برنگ و خیلی شفافی در معادلات منطقه و به‌ویژه در حمایت از ایران داشته باشند، آن تصویر بی‌طرفی چینی‌ها را می‌تواند مخدوش کند. موضوع دیگری که وجود دارد، بحث حفاظت از جریان نفت است. ما می‌دانیم که حدود ۹۰ درصد از نفت صادراتی ایران را چین خریداری می‌کند که بالاترین سطح آن در همین سال ۲۰۲۵ اتفاق افتاده و چین دنبال این است که ثبات حداقلی را برای این جریان بروند مداوم ارسال تسلیحات و تسلیحات چینی به ایران است که اگر حضور کم‌رنگ چین را در این تحولات ببینیم، این را باید تصمیمی تاکتیکی و هوشمندانه از سوی پکن بدانیم، نه نشانه انفعال در برابر آمریکایی‌ها.

**❗** اما رفتار چین با تناقض همراه است. بله، شما سکوت دیپلماتیک را تحلیل کردید، اما مسئله مهمی که در عین حال وجود دارد، عدم حضور چین در رزمایش مرکب دریایی پنجشنبه گذشته بود که ایران با روس‌ها برگزار کرد. اما هم‌زمان مسئله مهم‌تر ناظر بر روند مداوم ارسال تسلیحات و تسلیحات چینی به ایران بعد از جنگ ۱۲روزه است، تا جایی که برخی گزارش‌های خبری تأیید می‌کنند اکنون چینی‌ها خیلی جدی‌تر و پررنگ‌تر از روس‌ها دارند انتقال تسلیحات، سوخت موشک، حتی فروش جنگنده و سامانه‌های راداری به ایران را مطرح می‌کنند. چرا این همه تناقض در چین وجود دارد؟

اینها را نمی‌توان تناقض نامید؛ اینها سیاست‌های چین هستند که همه در طول یکدیگر قرار دارند. اولاً، نکته‌ای را در نظر بگیرید که چینی‌ها هیچ‌گاه حاضر نیستند هزینه‌ای را که هم‌تراز با تایوان یا حوزه دریای چین جنوبی می‌پردازند، متناسب با آن برای ایران بپردازند؛ این کاملاً بدیهی و طبیعی است. کمانیکه ایران نیز هزینه‌ای را که در عراق می‌دهد، حاضر نیستد در ونزوئلا پرداخت کند. شما فاصله‌های جغرافیایی را در نظر بگیرید و معادلات اقتصادی-سیاسی را که در این چارچوب تعریف می‌شود، بسنجید. این یک نکته کلیدی است. نکته بعدی، بحث فروش تسلیحات و تجهیزات چینی به ایران بعد از جنگ ۱۲روزه است. اولاً ما داده‌های دقیقی نداریم که این موضوع مدنظر شما را رسماً تأیید کند.

**❗** نباید هم وجود داشته باشد. معادلات نظامی در قالب محرمانگی قابل تحلیل است و ... بله، اینها همه به شکل محرمانه انجام می‌شود و گمانه‌زنی است.

**❗** خودتان این روزها به گزارش یا تحلیل در رسانه‌های چین برخوردید که این انتقال تسلیحات و تجهیزات به ایران را به شکلی تأیید کند؟

چند روز قبل گزارشی تحلیلی در منابع چینی دیدم که هدیه‌ای را که راین نظامی چینی‌ها به فرمانده نیروی هوایی ارتش ما داد که ماکت یک جنگنده جی-۲۰ چینی بود، به‌عنوان پیامی قاطع از سوی چین برای آمریکا ارزیابی کرده بودند. خب ببینید، اینها نشانه است؛ به بیان دیگر، اگر به دقت‌نظر چینی‌ها در رصد حتی جزئی‌ترین نشانه‌ها توجه کنیم، نمی‌توان از کنار این صحنه به‌سادگی عبور کرد که در یک برنامه رسمی و در برابر خبرنگاران، یک مقام دیپلماتیک با نظامی‌چین، روی صحنه ظاهر می‌شود و ماکت یک جنگنده هم‌تراز با اف-۳۵ را به یک مقام ارشد نظامی ایرانی که خود از فرماندهان نیروی هوایی است، اهدا می‌کند. این کنش‌سازی برداشتی را در فضای تحلیلی چین شکل داده که شاید در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته باشد. در خوانش چینی، این اقدام حامل پیامی سریع و غیرمستقیم به واشنگتن است؛ زمانی که ناوهای نظامی به منطقه و علیه ایران اعزام می‌شوند، دیگر بازیگران بزرگ نیز لزوماً در موقعیت انفعال باقی نخواهند ماند.

<span> </span>					
<span> </span>	۸	۱	<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	۴	۵	۴
<span> </span>	۲				
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	۶	<span> </span>	<span> </span>
<span> </span>	۳				
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	۶	<span> </span>
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	۶	۴	<span> </span>
<span> </span>	۷				
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	۸	<span> </span>	<span> </span>
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	۷	۵	<span> </span>
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	۳	۱	<span> </span>

<span> </span>					
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	۵	۹	۶
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	۱	۷
<span> </span>	۲				
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	۹	۳	<span> </span>
<span> </span>	۸				
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	۴	۷	<span> </span>
<span> </span>	۵				
<span> </span>	۱				
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	۲	<span> </span>	<span> </span>
<span> </span>	۴				
<span> </span>	<span> </span>	<span> </span>	۷	۹	۲

سودوکو سخت ۴۲۶۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

**قانون‌های حل جدول سودوکو**

۱- در هر سطر و ستون و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۴۲۶۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۴۲۶۸

۱	۸	۳	۹	۵	۲	۷	۴	۶
۲	۶	۵	۷	۸	۳	۹	۱	۴
۳	۷	۹	۶	۳	۱	۸	۲	۵
۴	۵	۹	۶	۳	۷	۴	۱	۸
۵	۸	۳	۲	۱	۵	۹	۷	۳
۶	۳	۷	۹	۸	۵	۶	۴	۱
۷	۱	۲	۱	۵	۳	۶	۸	۴
۸	۵	۳	۸	۲	۶	۱	۳	۹
۹	۳	۸	۱	۴	۹	۲	۵	۷

۱	۶	۹	۲	۴	۵	۸	۷	۳
۲	۵	۳	۸	۶	۷	۴	۹	۱
۳	۸	۳	۷	۹	۳	۱	۲	۵
۴	۳	۷	۹	۲	۱	۸	۵	۶
۵	۱	۸	۴	۶	۳	۲	۷	۹
۶	۳	۷	۹	۲	۱	۸	۵	۶
۷	۹	۲	۱	۸	۳	۶	۵	۴
۸	۹	۸	۵	۶	۲	۱	۳	۴
۹	۲	۷	۱	۳	۹	۸	۵	۴
۱۰	۳	۷	۱	۳	۹	۸	۵	۴
۱۱	۳	۷	۱	۳	۹	۸	۵	۴
۱۲	۳	۷	۱	۳	۹	۸	۵	۴
۱۳	۳	۷	۱	۳	۹	۸	۵	۴
۱۴	۳	۷	۱	۳	۹	۸	۵	۴
۱۵	۳	۷	۱	۳	۹	۸	۵	۴

حل جدول ۵۲۷۲

۱	ک	ا	ش	ز	ر	ا	ف	ی	ب	ت	ب	ح	ی	ر	ه
۲	ا	ل	ی	د	ب	ی	ج	و	خ	ر	ب	س	ب	ب	ب
۳	م	ا	ه	ک	ت	ح	ر	ی	ب	خ	ص	ا	ا	ل	ف
۴	ل														